



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۲۴/آذر/۱۳۹۵

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - تقسیم چهارم: مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۳۸

مقدمه متقدمه، مقارنه، متاخره - جهت اول: صحت تقسیم -

تمه کلام محقق نایینی در مورد شرط متأخر

جلسه: ۳۵

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مروری بر جلسات گذشته

بحث پیرامون کلام محقق نایینی درباره شرط متأخر بود و همانطور که بیان شد کلام ایشان شامل دو بخش است:

بخش اول: مربوط به تبیین محل نزاع در شرط متأخر بود که فرمودند: آن چه در نزاع در شرط متأخر داخل است، فقط شرائط تکلیف و شرائط وضع است ولی شرائط مامور به مثل علل غائیه یا فائته، علل عقلیه و عناوین انتزاعیه مثل تقدم و تاخر از محل نزاع خارج می باشند.

بخش دوم: با ذکر سه مطلب محقق نایینی به این نتیجه رسیدند که شرط مؤخر طبق معنایی که بیان شد (شرط تکلیف یا شرط وضع) نمی تواند متأخر از حکم باشد. ایشان در این بخش سه مطلب بیان نمودند:

۱. تعریف قضایای حقیقیه و تعریف قضایای خارجی و فرق بین آن ها.

۲. جعل احکام شرعی به نحو قضایای حقیقیه می باشد.

۳. به طور کلی شرائط حکم به موضوع بر می گردد. یعنی شرط حکم در واقع قید موضوع است و نسبت موضوع و حکم نیز

«کنسبه العلة و المعلول» است. لذا فرمودند: اگر چیزی شرط حکم باشد، کانه قید موضوع است و موضوع مقدم بر حکم

است لذا موضوع یا قید یا قیودی از موضوع که منها الشرط می باشد نمی تواند متأخر از حکم باشد. همان طوری که تاخر

علت از معلول ممتنع است، تاخر موضوع یا قیود موضوع نیز از حکم ممتنع است.

لذا ایشان با توجه به نکاتی که بیان نمودند ملتزم شدند که شرط متأخر ممتنع است. یعنی اگر ایشان شرط مامور به را از محل نزاع

خارج کرد، به این دلیل است که در شرط مامور به نظر ایشان تاخر شرط مامور به از مشروط قابل تصویر است و بعد از تعیین محل

نزاع در این محدوده ایشان قائل به امتناع شده اند، بر خلاف کثیری از بزرگان که متعرض نظر ایشان در جلسات قبل شدیم و گفتیم

که هشت راه حل برای تصویر معقولیت شرط متأخر توسط آن بزرگان بیان شد. اگر چه آن راه حل ها به نظر ما مشکل داشت ولی

قائلین به آن اقوال مدعی بودند که توانسته اند معقولیت شرط متأخر را اثبات کنند. اما به هر حال محقق نایینی در این محدوده قائل

به امتناع شده اند.

محقق نائینی بعد از بیان مسئله می فرماید: بهترین وجه از وجوهی که برای حل مشکل شرط متاخر در این مقام بیان شده، این است که شرط، عنوان تعقب و وصف انتزاعی است و اگر شرط متاخر را این گونه تصویر کنیم قابل تعقل است اما اگر بخواهیم وجود خارجی شرط را ملاک قرار دهیم مسلماً معقول نیست؛ زیرا تقدم معلول بر علت محال است. ولی اگر شرط را نفس تعقب بدانیم یا یک وصف انتزاعی بدانیم این قابل تعقل است. مثلاً در مورد صوم نگوئیم وجود خارجی غسل لیل شرط برای صوم نهاری است بلکه بگوئیم آنچه که موضوع تکلیف است «الصوم المتعقب للغسل» است یعنی صومی که بعداً دنبالش غسل انجام می شود و شرط را «تعقب للغسل» قرار دهیم نه خود غسل، در این صورت می توان گفت: «تعقب للغسل» الان نیز موجود است و همین الان که مکلف این روزه را می گیرد، «تعقب للغسل» نیز موجود است. لذا مقارنت بین شرط و مشروط محقق شده است.

ایشان می فرماید: این وجه محذور عقلی ندارد، زیرا تقارن بین موضوع و حکم و شرط و مشروط در این وجه موجود است به این جهت که همانطور که بیان شد محذور عقلی زمانی است که شرط متاخر از مشروط باشد. اگر بخواهد معلول مقدم بر علت باشد و علت بعداً وجود پیدا کند این عقلاً محال است. اما اگر شرط و مشروط و علت و معلول مقارن با هم باشند دیگر محذور عقلی وجود ندارد و چون طبق این وجه شرط و مشروط مقارن با هم وجود دارند دیگر محذور عقلی وجود ندارد. لکن ایشان می فرماید: این وجه با اینکه محذور عقلی ندارد اما دو اشکال دارد.

۱. اگر بخواهیم شرط را به وصف تعقب یا یک امر انتزاعی برگردانیم محتاج دلیل هستیم و ما دلیلی بر این امر نداریم.
  ۲. این ارجاع نیازمند مساعدت عقل و اعتبار است. یعنی عقل نیز باید این ارجاع را قبول کند. به عبارت دیگر در اشکال دوم ایشان می فرمایند: ما همین طوری پیش خود نمی توانیم شرط را که در مثال ما همان غسل شب است، تبدیل به «تعقب للغسل» کنیم و بگوئیم این شرط است بلکه باید دید در لسان دلیل، چه چیزی شرط قرار داده شده است. مثلاً در لسان دلیل، عقد فضولی مشروط به اجازه لاحق شده و ظاهر دلیل این است که شرط، خود اجازه است نه این که با توجیحات مدرسه ای بگوئیم شرط عبارت است از «تعقب للاجازه». زیرا دلیل مساعد آن نیست و ظاهر دلیل این چنین نیست. از هیچ جای روایات و ادله استفاده نمی شود که «تعقب للغسل» شرط صوم است یا «تعقب للاجازه» شرط برای صحت عقد فضولی است بلکه ظاهر دلیل این است که خود اجازه و غسل شرط صحت عمل و عبادت می باشند.
- لذا ارجاع شرط متاخر و برگرداندن شرط متاخر به عناوینی مثل تعقب و یک امر انتزاعی نیازمند دلیل است و بدون دلیل نمی توان این کار را کرد. به علاوه عقل و اعتبار نیز مساعد این ارجاع نیست. چون چطور می توان یک حقیقتی را که خودش شرطیت دارد و معقول نیست با عوض کردن صورت ظاهریش معقول جلوه دهیم؟
- لذا کانه ایشان می فرماید: راهی نیست جز این که بگوئیم شرط متاخر، چه شرط تکلیف باشد و چه شرط وضع باشد ممتنع است. و لذا ایشان قائل می شوند به امتناع و عدم معقولیت شرط متاخر<sup>۱</sup>.
- توجه: آنچه تا کنون بیان شد در حقیقت مربوط به مقام ثبوت است. یعنی این که آیا شرط متاخر ممکن است یا خیر و کاری نداریم که لسان دلیل چیست. مثال هایی هم که بیان شد جهت تقریب به ذهن بود.

<sup>۱</sup> فوائد الاصول ج ۱ ص ۲۷۱ تا ۲۸۱

لکن بعد از فراغ از مقام ثبوت و اصل امکان شرط متاخر و معقولیت آن، می‌رویم سراغ مقام اثبات و این که بزرگانی که قائل به امتناع شرط متاخر شدند پس عقد فضولی را چگونه حل می‌کنند؟ زیرا همانطور که بیان شد اجازه لاحقه شرط صحت عقد فضولی است حال اگر کسی مثل ایشان به این موضوع ملتزم شد که شرط متاخر ثبوتاً ممکن نیست آیا معنایش این است که در شرع امر غیر معقول صورت گرفته و خدا مرتکب محال شده است؟ لذا در مواردی که در شرع شرط متاخر وارد شده چه در احکام وضعیه و چه در احکام تکلیفیه، باید آن را توجیه کنند.

از آن طرف بزرگانی که به طور کلی قائل به امتناع شرط متاخر می‌باشند و می‌گویند محال است که شرط از مشروط متاخر باشد، آیا معتقدند که در شرع یک مورد هم شرط متاخر وجود ندارد؟ اگر موردی داریم آن را چگونه توجیه می‌کنند؟

### **محصل کلام محقق نایینی**

اگر بخواهیم محصل فرمایش ایشان را در مقایسه با مطالبی که قبلاً از بزرگان طی هشت راه حل بیان کردیم ذکر کنیم؛ باید بگوییم کانه ایشان یک تفصیلی را در مسئله بیان کرده است.

کسانی مانند محقق خراسانی تقدم شرط تکلیف و شرط وضع و مامور به را معقول دانسته‌اند و بقیه نیز به همین ترتیب در صدد حل مسئله بودند. اما مرحوم نایینی در حقیقت می‌گویند: شرط متاخر تنها در صورتی معقول است که شرط مامور به باشد. زیرا اولین امری که ایشان از محل نزاع خارج کرد شرط مامور به بود. به عقیده ایشان این یک مطلب کاملاً واضح و روشنی است که شرط مامور به مانند جزء مامور به می‌تواند متاخر واقع شود. اما در مورد دو قسم دیگر یعنی شرط حکم تکلیفی و شرط حکم وضعی یا به تعبیر دیگر شرط تکلیف و شرط وضع، قائل به امتناع شده است. لذا در یک قسم قائل به جواز تاخر شرط شده‌اند و در دو قسم قائل به امتناع شده است.

سوال:

استاد: گاهی اوقات بزرگان مقدماتی را ضمیمه می‌کنند و یک نتیجه‌ای می‌گیرند. خیلی مهم است که ربط بین مقدمات را کشف کنیم و بفهمیم که چگونه آن مقدمات آن چیزی را که مستدل می‌خواهد به آن استدلال کند نتیجه می‌دهد.

در تعریف قضیه حقیقیه اختلاف است، محقق نایینی می‌فرماید: موضوع قضیه حقیقیه طبیعت و عنوان کلی است که ناظر به افراد و مصادیق و مرآت برای مصادیق است اما امام خمینی (ره) معتقدند که موضوع قضیه حقیقیه طبیعت است و این جهت مرآتیت افراد نیز در آن نیست. آثاری بر این اختلاف نیز مترتب می‌شود. یکی از مبانی نظریه خطابات قانونیه امام خمینی (ره) همین قضیه حقیقیه است.

مطلب بعدی که ایشان می‌فرماید این است که شروط حکم در واقع قیود موضوع می‌باشند و رابطه موضوع و حکم مانند رابطه علت و معلول است. پس در واقع شرط حکم یعنی قید موضوع حکم و موضوع علی‌ای حال مقدم بر حکم است.

اگر موضوع مقدم بر حکم باشد قید موضوع و شرط موضوع نیز مقدم بر حکم است لذا قید یا شرط نمی‌توند متاخر از موضوع باشد، زیرا نسبت بین حکم و موضوع نسبت علت و معلول است.

لذا به طور کلی شرائط حکم اعم از تکلیفی و وضعی نمی‌تواند متاخر از مشروط باشد و از آنجا که قول به تاخر شرط حکم و شرط وضع مثل قول به تاخر علت از معلول است لذا التزام به تاخر شرط معقول نیست.

## مسئله وحدت از محوری ترین مسائل جهان اسلام است

چون ایام، ایام هفته وحدت است و بعضی از امور به جهت تکرار تبدیل به یک شعار و تشریفات می شوند و اهمیت شان مورد غفلت واقع می شود، مطالبی را در این رابطه خدمت شما تقدیم می کنم.

یکی از مسائل بسیار مهم، مسئله وحدت امت اسلامی است. این نقطه، نقطه آسیب پذیر دنیای اسلام و مسلمین در طول تاریخ بوده. شما طلاب را به خواندن تاریخ سفارش می کنم به خصوص تاریخ اسلام. اصلا از لوازم کار ما احاطه به مسائل تاریخی است. مخصوصا تاریخ اسلام، مطالعه تاریخ هم جذاب است هم وقت هایی که انسان حوصله تفکر عمیق راجع به مسائل علمی ندارد می تواند کتاب تاریخ بخواند. سعی کنید یک کتاب تاریخ همیشه کنارتان باشد و موقع خواب و اوقاتی که خسته می شوید آن را مطالعه کنید. واقعا مسائل تاریخ را بخوانید و ببینید که چقدر بین عصرها و مصرها شباهت است، بین دوره ها و بین بلاد و شهرها، بخوانید و ببینید در تاریخ اسلام چه خون دل هایی برای حفظ اتحاد مسلمین در برابر اجانب خورده شده و چه آسیب هایی از اختلاف بین مسلمین متوجه جامعه اسلامی شده است.

گاهی در حوزه مشاهده می کنیم که به عنوان دفاع از مکتب اهل بیت، رفتارها و سخنانی انجام زده می شود که قطعاً اهل بیت(ع) رضایت به این رفتارها و سخنان ندارند. شما اگر از قم مقداری دور شوید، کمی از ایران دور شوید، ثمرات بعضی از این کش مکش ها و نزاع ها را می بینید که چه ثمرات تلخی است.

وحدت مراتب دارد، جامعه شیعی نیاز به وحدت دارد جامعه ایرانی نیاز به وحدت دارد، وحدت جامعه شیعی، وحدت جامعه ایرانی هر کدام تابع ملاک های خودش است. جامعه اسلامی به معنای عام هم نیاز به وحدت دارد. آن هم با توجه به ملاک های خاص خودش. هیچ گاه مقصود از وحدت این نیست که هر کسی دست از عقائد خودش بردارد و شیعه، سنی شود یا سنی، شیعه شود. امامت اهل بیت(ع) و ولایت اهل بیت(ع) جزء ارکان اعتقاد ما است و ما قرار نیست در سایه وحدت دست از این اعتقاد عمیق برداریم. همچنین اهل سنت نیز قرار نیست در سایه وحدت از عقائدشان دست بردارند. اما مهم این است که در شرایطی که اساس اسلام در خطر است باید صفوف مسلمین منسجم تر شود. اسلام همواره از دو ناحیه در خطر است یکی از ناحیه کفار و اجانب و مستکبران و کسانی که اساس دیانت را قبول ندارند و با اساس اسلام مشکل دارند و در سایه سلاح و قدرت و زور با مسلمین برخوردهای سخت می کنند مانند رفتاری که در کشور میانمار یا برمه با مسلمین می کنند یا کارهایی که در آفریقا با مسلمین انجام میدهند یا در بعضی از بلاد دیگر جان و ناموس و مال و مسلمین را مورد تعرض قرار می دهند اگر فرصت پیدا کنند نه به شیعه و نه به سنی به هیچ کس رحم نمی کنند. آن ها از نام رسول الله می ترسند. کتاب قرآن برای آنها خطرناک است. می خواهند با این کتاب و نام مبارزه کنند و برای آن ها فرقی نمی کند که طرف مقابل آن ها شیعه باشد یا سنی. این خطری است که از ابتدای ظهور اسلام بوده و خواهد بود.

خطر دوم رفتارها و عقایدی است که به نام اسلام ظهور کرده و بعضی به نام اسلام جنایت می کنند. تکفیرها مانند داعش به هر حال در همین مدت نشان دادند که اگر این تفکر رشد پیدا کند و آمیخته با قدرت و سلاح و امکانات شود چه جنایاتی خواهند کرد. این ها آنقدر چهره اسلام را لکه دار می کنند که بعید است به این زودی ها کسی تمایل به جذب اسلام پیدا کند. شما عکس العمل افراد غیر مسلمان را نسبت به این رفتارهایی که به نام اسلام و شعار اسلام و با فریاد الله اکبر انجام می شود را ببینید. در کشورهای دیگر به خاطر این اعمال می بینید با مسلمین چه رفتار زنده ای دارند، تزییقات ایجاد می کنند به هر حال یکی از مسائلی که همیشه

بهبانه به دست امثال داعش داده همین رفتارهای موهنی است که برخی مرتکب می‌شوند و گاهی سخنانی است که از ما منتشر می‌شود. گاهی انسان می‌بیند در یک مجالسی گاهی مطالبی گفته می‌شود که خطرناک است. ما نمی‌گوییم حقیقت امام و ولایت باید مخفی شود. این‌ها حقایقی است که باید با استدلال بیان شود. اما اینکه مثلاً فلان اهانت و توهین به مقدسات اهل سنت شود و این باعث شود کسی به خودش نارنجک و بمب ببندد و برود دیگران را از بین ببرد قابل اغماض نیست. این یک واقعیتی است که بسیاری از خون‌ها با همین بهانه ریخته می‌شود. این یک ضرورت عقلی، تاریخی، نقلی است. مسئله وحدت از دو ناحیه آسیب می‌بیند هم از ناحیه بعضی افراطیون شیعه و هم از ناحیه بعضی از افراطیون سنی. این که می‌گوییم وحدت، فقط توصیه به خودمان نمی‌کنیم و انتظار نداریم که همیشه شیعیان مراقب باشند. این نادانی‌ها در بین اهل سنت هم وجود دارد. من بعضاً مواجه می‌شوم با مطالبی که برخی می‌گویند که چون اهل سنت به شیعیان بد و بیراه می‌گویند و در فلان منطقه دارند فلان کار را انجام می‌دهند. پس ما هم باید همین‌طور عمل کنیم. بله همان کسی که از افراط در بین اهل سنت خوشحال می‌شود از افراط در بین شیعیان نیز خوشحال می‌شود. اصل افسوس این افراطها، این اهانت‌ها این است که آتش اختلاف بیشتر شود. من به جد عرض می‌کنم رفتاری که وحدت مسلمین را خدشه دار کند مخالف نظر اهل بیت(ع) است، مخالف نظر وجود مبارک امام زمان(ع) است و قطعاً با سیره اهل بیت سازگار نیست. قطعاً مخالف حکم عقل است. ما باید با رفتار محترمانه و با حفظ وحدت، اسلام و مکتب اهل بیت(ع) را در این شرایط حفظ کنیم.

این همه خود اهل بیت(ع) و رهبران و بزرگواران و مراجع عالیقدر در طول تاریخ زحمت کشیدند، شما یک مرجع تقلید محوری و مهم را در طول تاریخ پیدا نمی‌کنید که رفتاری کرده باشد یا فتوایی داده باشد که به این نقطه بخواهد آسیب برساند. همین الان در عراق مرجع عالیقدر حضرت آیت الله سیستانی را ببینید چگونه این مسئله را مدیریت می‌کند. در گذشته، امام راحل عظیم الشان را ملاحظه کنید که این مسأله را چگونه مدیریت کردند. همین الان رهبر معظم انقلاب را ببینید چقدر روی این مسئله تأکید می‌کنند، اشرافی که ایشان به مسائل داخل و خارج کشور دارد، اشرافی که ایشان به نقشه‌های دشمنان در منطقه و جهان دارد، اقتضاء می‌کند این نگرانی همیشه ابراز بشود ولی متأسفانه انسان می‌بیند که افراد کم‌اطلاع گاهی از روی دلسوزی رفتارهایی انجام می‌دهند یا سخنانی را می‌گویند و جلساتی را برگزار می‌کنند که به این مسئله ضربه وارد می‌کند.

اینگونه نیست که این جلسات و این سخنان فقط در یک اتاق در بسته مخفی بماند. هر اتفاقی حتی در یک روستا به وقوع می‌پیوندد لحظه‌ای بعد در شبکه‌های اجتماعی فیلمش منتشر می‌شود. در آن صورت اگر خدای نکرده اتفاقی بیفتد و عده‌ای مورد تعرض قرار بگیرند همه مسئولیم.

امیدوارم مقداری با تعمق بیشتر و درک بیشتر از نگرانی‌هایی که وجود دارد اهمیت مسئله وحدت را به خود و دیگران یادآوری کنیم تا خدای نکرده یک وقت در اتفاقات تلخی که می‌افتد سهیم نباشیم.

«الحمد لله رب العالمین»